

Peace and Reconciliation in the Quran: A Comparative Study of the "Covenant of Abraham" with the Quranic Teachings of Peace

Somayyeh kiyahoor

Level 4 scholar in the field of comparative interpretation at the specialized seminary of Qasim ibn al-Hasan (AS)

S.kiahor@gmail.com

somayyeh abbasi

Level 4 scholar in the field of comparative interpretation at the specialized seminary of Qasim ibn al-Hasan (AS)

Somayeh.abbasi@gmail.com

Abstract

The concept of peace is one of the fundamental concepts in Quranic teachings as well as in contemporary political developments in the Middle East. This study aims to comparatively examine the concept of peace in the Holy Quran and assess its relationship with the "Abraham Accords" (2020) to determine whether the peace model proposed in this covenant is consistent with the Quranic principles of peace. The main hypothesis of the research is that peace in the Quran has a normative and justice-oriented nature and its realization depends on eliminating oppression, respecting human dignity, and reforming social relations, while the Abraham Accords were mainly formed within the framework of geopolitical, security, and economic considerations. This study was conducted using a descriptive-analytical method and relying on interpretative sources of the Quran and contemporary political studies. The research findings show that in the Abraham Accords, the fundamental issue of Palestine has been marginalized and the concept of peace has found more of an instrumental function in organizing the regional power order. Accordingly, the research results indicate that the peace model presented in this covenant does not correspond substantially with the justice-oriented principles of peace in the Quran.

Keywords: Peace in Quran, Abraham Accords, Justice, International Politics, Palestine

السلام والمصالحة في القرآن: دراسة مقارنة بين "عهد إبراهيم" وتعاليم القرآن عن السلام

سميه كياهو

باحث من المستوى الرابع في مجال التفسير المقارن في الحوزة المتخصصة لقاسم بن الحسن عليه السلام
S.kiahor@gmail.com

سميه عباسي

باحث من المستوى الرابع في مجال التفسير المقارن في الحوزة المتخصصة لقاسم بن الحسن عليه السلام
Somayeh.abbasi@gmail.com

ملخص

يُعد مفهوم السلام من المفاهيم الأساسية في التعاليم القرآنية وكذلك في التطورات السياسية المعاصرة في الشرق الأوسط. تهدف هذه الدراسة إلى فحص مفهوم السلام في القرآن الكريم مقارنة بـ "اتفاقية إبراهيم" (٢٠٢٠) لتحديد ما إذا كان نموذج السلام المقترح في هذه الاتفاقية متوافقاً مع المبادئ القرآنية للسلام أم لا. الفرضية الرئيسية للبحث هي أن السلام في القرآن له طبيعة معيارية قائمة على العدالة، ويتحقق برفع الظلم، واحترام الكرامة الإنسانية، وإصلاح العلاقات الاجتماعية، بينما تشكلت اتفاقية إبراهيم بشكل أساسي في إطار الاعتبارات الجيوسياسية والأمنية والاقتصادية. أجريت هذه الدراسة باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي، بالاعتماد على مصادر تفسير القرآن والدراسات السياسية المعاصرة. تُظهر النتائج أن قضية فلسطين الجوهرية قد تم تهميشها في اتفاقية إبراهيم، وأن مفهوم السلام وجد وظيفة أداتية في تنظيم النظام الإقليمي للقوى. وبناءً على ذلك، تشير النتائج إلى أن نموذج السلام المقدم في هذه الاتفاقية لا يتوافق جوهرياً مع مبادئ السلام القائمة على العدالة في القرآن.

الكلمات المفتاحية: السلام في القرآن، اتفاقية إبراهيم، العدالة، السياسة الدولية، فلسطين

صلح و سازش در قرآن؛ مطالعه تطبیقی «پیمان ابراهیم» با آموزه‌های قرآنی صلح

سمیه کیاهور

دانش پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران
s.kiahor@gmail.com

سمیه عباسی

دانش پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مدرسه علمیه تخصصی قاسم بن الحسن علیه السلام، تهران، ایران
Somayeh.abbasi@gmail.com

چکیده

مفهوم صلح از مفاهیم بنیادین در آموزه‌های قرآنی و نیز در تحولات سیاسی معاصر خاورمیانه است. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مفهوم صلح در قرآن کریم و سنجش نسبت آن با «پیمان ابراهیم» (۲۰۲۰) به این مسئله می‌پردازد که آیا الگوی صلح مطرح شده در این پیمان با مبانی قرآنی صلح هم‌خوانی دارد یا خیر. فرضیه اصلی پژوهش آن است که صلح در قرآن ماهیتی هنجاری و عدالت‌محور دارد و تحقق آن وابسته به رفع ظلم، رعایت کرامت انسانی و اصلاح روابط اجتماعی است، در حالی که پیمان ابراهیم عمدتاً در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی شکل گرفته است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکاء به منابع تفسیری قرآن و مطالعات سیاسی معاصر انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در پیمان ابراهیم، مسئله بنیادین فلسطین به حاشیه رانده شده و مفهوم صلح بیشتر کارکردی ابزاری در سامان‌دهی نظم قدرت منطقه‌ای یافته است. براین اساس، نتیجه پژوهش حاکی از آن است که الگوی صلح ارائه شده در این پیمان با مبانی عدالت‌محور صلح در قرآن هم‌خوانی ماهوی ندارد.

کلیدواژه‌ها: صلح در قرآن، پیمان ابراهیم، عدالت، سیاست بین‌الملل، فلسطین

مقدمه

صلح از مفاهیم بنیادین در اندیشه دینی و سیاسی است، اما معنای آن در چارچوب‌های معرفتی مختلف یکسان نیست. در قرآن کریم، صلح صرفاً به معنای فقدان جنگ یا توقف درگیری نظامی نیست، بلکه مفهومی گسترده و چندبعدی است که با عدالت، احسان، رفع ظلم و اصلاح روابط اجتماعی پیوند عمیق دارد.

در این چارچوب، صلح زمانی تحقق می‌یابد که روابط انسانی بر مبنای عدالت و کرامت سامان یابد و ساختارهای ظلم و فساد از میان برداشته شود. آیاتی همچون «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) نشان می‌دهد که صلح در منطق قرآنی با تحقق عدالت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها ارتباط مستقیم دارد.

در مقابل، در نظام سیاست بین‌الملل معاصر، صلح اغلب در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی تعریف می‌شود و بیشتر ناظر به مدیریت تعارض‌ها و حفظ موازنه قدرت است. «پیمان ابراهیم» که در سال ۲۰۲۰ میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی با میانجیگری آمریکا منعقد شد، نمونه‌ای برجسته از چنین رویکردی به صلح در سطح منطقه‌ای است.

در حوزه مطالعات اسلامی، پژوهش‌های متعددی به بررسی مفهوم صلح در قرآن پرداخته‌اند. طباطبایی در المیزان صلح را در پیوند با عدالت اجتماعی



تحلیل می‌کند و مکارم شیرازی در تفسیر نمونه آن را از اهداف اساسی شریعت می‌داند. در آثار مطهری و جوادی آملی، صلح به عنوان نتیجه تحقق عدالت و از لوازم جامعه توحیدی مورد توجه قرار گرفته است. در سوی دیگر، پژوهش‌های علوم سیاسی معاصره تحلیل ابعاد ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی پیمان ابراهیم پرداخته‌اند.

با وجود این، بررسی تطبیقی مفهوم صلح در قرآن با چارچوب مفهومی و سیاسی پیمان ابراهیم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش آن است که مفهوم صلح در قرآن چه مبانی و شاخص‌هایی دارد و این مبانی تا چه اندازه با رویکرد و اهداف مطرح در پیمان ابراهیم هم‌خوانی دارد.

پرسش اصلی پژوهش: مفهوم صلح در قرآن کریم چه مبانی و ویژگی‌هایی دارد و پیمان ابراهیم تا چه اندازه با این چارچوب مفهومی هم‌خوان یا متعارض است؟ پرسش‌های فرعی: مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت محور صلح در قرآن کدام‌اند؟ پیمان ابراهیم بر چه مبانی سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی استوار است؟ میزان انطباق یا تعارض این توافق با اصول صلح در اندیشه قرآنی چگونه قابل ارزیابی است؟

این پژوهش با رویکردی نظام‌مند انجام شده است. از نظر ماهیت، تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و استفاده از منابع تفسیری قرآن، آثار اندیشمندان اسلامی، مقالات علمی و اسناد سیاسی مرتبط با





پیمان ابراهیم است. داده‌ها با روش تحلیل محتوای استنتاجی و رویکرد تطبیقی بررسی شده‌اند.

۱. مفهوم صلح در قرآن؛ از اصلاح اخلاقی تا نظم اجتماعی

در گفتمان قرآنی، صلح صرفاً به معنای توقف نزاع یا آتش‌بس نیست، بلکه نوعی نظم اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر عدالت و اصلاح روابط انسانی است. ریشه واژه «صلح» از ماده «صلح» به معنای رفع فساد و برقراری وضعیت درست و متعادل در روابط انسانی است. راغب اصفهانی در مفردات توضیح می‌دهد که «صلح» در مقابل «فساد» قرار دارد و به حالتی اطلاق می‌شود که در آن نظام امور انسانی به سوی خیر و تعادل بازگردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۸). براین اساس، صلح در قرآن بیشتر مفهومی ارزشی و اخلاقی است تا صرفاً ابزاری سیاسی برای مدیریت منازعات.

این رویکرد در آیه «وَالصَّلَاحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) نیز مشاهده می‌شود که صلح را امری مطلوب معرفی می‌کند. مفسران تأکید کرده‌اند که این گزاره به معنای تأیید هر نوع صلحی نیست. علامه طباطبایی در المیزان بیان می‌کند که مقصود از این آیه صلحی است که با تقوا و رعایت حقوق همراه باشد؛ زیرا اگر صلح به تثبیت ظلم یا تضییع حقوق بینجامد، در چارچوب «خیر» قرار نخواهد گرفت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۹۷). بنابراین در نظام مفهومی قرآن، صلح نتیجه تحقق عدالت و رعایت حقوق انسانی است و هر توافقی که به تثبیت بی‌عدالتی

منجر شود، مصداق صلح واقعی نیست.

۲. صلح مشروط در قرآن: پیوند صلح و امنیت

قرآن پذیرش صلح را به شرایطی وابسته می‌داند. آیه ۶۱ سوره انفال: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» بیانگر آن است که اصل صلح در روابط اجتماعی و سیاسی مورد پذیرش قرآن است، اما تحقق آن به رفتار و نیت طرف مقابل نیز وابسته است. مکارم شیرازی در تفسیر نمونه توضیح می‌دهد که این آیه به معنای پذیرش بی‌قید و شرط صلح نیست، بلکه شرط اصلی آن صداقت طرف مقابل و نبود فریب سیاسی است. از این رو قرآن در کنار توصیه به صلح، مسلمانان را به حفظ آمادگی دفاعی نیز فرا می‌خواند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۸۲). برای اساس، صلح در چارچوب قرآنی فرایندی فعال تلقی می‌شود که در آن جامعه مؤمنان میان تمایل به صلح و حفظ توان دفاعی تعادل برقرار می‌کند.

۳. عدالت به عنوان بنیان صلح پایدار

عنصر محوری در نظام صلح قرآنی، عدالت است. قرآن در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) عدالت را به عنوان اصلی اساسی در سامان اجتماعی معرفی می‌کند. در این چارچوب، صلح پایدار تنها زمانی تحقق می‌یابد که روابط اجتماعی بر اساس عدالت شکل گرفته باشد. سید حسین نصر معتقد است که در جهان بینی اسلامی، صلح حقیقی نتیجه هماهنگی انسان با نظم





الهی و تحقق عدالت در جامعه است، نه صرفاً محصول موازنه قدرت های سیاسی (Nasr, 2015, p.202). جوادی آملی نیز تأکید می کند جامعه ای که در آن حق الله و حق الناس رعایت شود، به طور طبیعی به سوی صلح و آرامش اجتماعی حرکت خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۲).

براین اساس، صلح در قرآن بر سه محور اساسی استوار است: عدالت، اصلاح اجتماعی و کرامت انسانی. ترکیب این عناصر موجب می شود که صلح در منطق قرآنی نه یک وضعیت موقتی، بلکه نظامی اخلاقی و پایدار در روابط انسانی تلقی شود.

۴. پیمان ابراهیم؛ صلح به مثابه سازوکار ژئوپلیتیکی

در مقابل برداشت قرآنی از صلح، پیمان ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰ میان اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین با میانجی گری آمریکا امضا شد. در بیانیه رسمی وزارت خارجه آمریکا، هدف این توافق «گسترش صلح، امنیت و همکاری اقتصادی در خاورمیانه» اعلام شده است (U.S. Department of State, 2020). با این حال، بررسی زمینه های شکل گیری نشان می دهد که عوامل راهبردی و امنیتی نقش مهمی داشته اند.

براساس گزارش RAND، پیمان ابراهیم بخشی از راهبرد گسترده تر آمریکا برای کاهش حضور مستقیم نظامی در خاورمیانه و انتقال بخشی از مسئولیت های امنیتی به متحدان منطقه ای است. در این چارچوب، اسرائیل به عنوان بازیگری

دارای توانمندی‌های پیشرفته نظامی و اطلاعاتی تقویت شده و برخی کشورهای عربی به شرکای امنیتی و اقتصادی آن تبدیل شده‌اند (RAND Corporation, 2021, p.14). این روند نشان می‌دهد که پیمان ابراهیم بیش از آنکه برحل ریشه‌های تاریخی منازعات تمرکز داشته باشد، در پی ایجاد ساختاری جدید از همکاری‌های امنیتی و راهبردی در منطقه بوده است.

۵. صلح مبتنی بر منافع: تحلیل واقع‌گرایانه توافق

از منظر نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، پیمان ابراهیم نمونه‌ای از توافق‌های مبتنی بر منافع قدرت‌هاست. واقع‌گرایان بر این باورند که دولت‌ها در نظام بین‌الملل عمدتاً براساس منافع امنیتی و ملاحظات موازنه قدرت عمل می‌کنند (Mearsheimer, 2001, p.23). نشانه این رویکرد، هم‌زمانی پیمان ابراهیم با قراردادهای مهم تسلیحاتی است؛ مدت کوتاهی پس از امضای توافق، آمریکا فروش جنگنده‌های F-35 به امارات را در قراردادی به ارزش حدود ۲۳ میلیارد دلار تأیید کرد (Reuters, 2020, p.25). برخی تحلیل‌گران از مفهوم «صلح معاملاتی» برای توصیف این توافق استفاده کرده‌اند.

۶. مسئله فلسطین و چالش‌های مشروعیت صلح

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر پیمان ابراهیم، جایگاه مسئله فلسطین است. در بیانیه رسمی کاخ سفید اشاره محدودی به بهبود شرایط زندگی فلسطینیان شده، اما تعهد مشخصی درباره تشکیل دولت مستقل فلسطین یا توقف



شهرک سازی ارائه نشده است (White House, 2020). گزارش های سازمان ملل نشان می دهد در سال های پس از امضای این توافق، فعالیت های شهرک سازی اسرائیل در کرانه باختری ادامه یافته و در مواردی افزایش داشته است (United Nations, 2021, p.87). ایلان پایه معتقد است این روند بیانگر تغییر در گفتمان صلح در خاورمیانه است؛ به این معنا که مسئله فلسطین دیگر محور اصلی ابتکارهای دیپلماتیک منطقه ای نیست (Pappé, 2021, p.21).

نتیجه گیری

مقایسه دو الگوی صلح قرآنی و صلح مورد ادعا در پیمان ابراهیم نشان می دهد که این دو رویکرد از نظر مبنا، هدف و چارچوب اخلاقی تفاوتی بنیادین دارند. در منطق قرآن، صلح فرایندی برای تحقق عدالت، رفع ظلم و اصلاح روابط اجتماعی است؛ در حالی که در پیمان ابراهیم، صلح بیشتر به عنوان ابزاری برای مدیریت موازنه قدرت و تنظیم روابط راهبردی میان دولت ها تعریف می شود.

در چارچوب قرآنی، صلح ریشه در توحید و عدالت الهی دارد. آیاتی مانند «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰) نشان می دهد که صلح در قرآن امری مطلوب است، اما این مطلوبیت با عدالت و صداقت پیوند خورده است. در مقابل، در چارچوب پیمان ابراهیم، صلح عمدتاً در قالب همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان دولت ها تعریف می شود و عدالت به عنوان پیش شرط اصلی آن مطرح نیست (Bensahel,

.(2021, p.32).

از منظر قرآن، صلحی که به تثبیت ظلم یا تداوم بی‌عدالتی بینجامد، فاقد مشروعیت اخلاقی است. طباطبایی تأکید می‌کند که هر توافقی که به تحکیم موقعیت ظالم منجر شود، با روح تعالیم قرآنی ناسازگار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۷۱). در مقابل، یکی از مهم‌ترین انتقادهای وارد به پیمان ابراهیم، حاشیه‌رفتن مسئله فلسطین است.

در قرآن، هدف نهایی صلح «اصلاح» و برقراری عدالت اجتماعی است؛ چنان‌که در آیه «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰) بر اصلاح روابط میان انسان‌ها تأکید شده است. اما در تحلیل پژوهشگران روابط بین‌الملل، پیمان ابراهیم در بستر شکل‌گیری نظم امنیتی جدید در خاورمیانه قابل فهم است؛ نظمی که بر اساس ائتلاف‌های منطقه‌ای و ملاحظات موازنه قدرت شکل گرفته است (RAND Corporation, 2021, p.2).

جوادی آملی معتقد است صلح حقیقی از ایمان، عدالت و رعایت حقوق انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، در حالی که صلح‌های مبتنی بر قدرت سیاسی غالباً عدالت را قربانی مصلحت‌های کوتاه‌مدت می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۱). ایلان پاپه (۲۰۲۱) از این توافق با تعبیر «peace without morality» یاد می‌کند؛ یعنی صلحی که الزاماً به پایان اشغال یا رفع ریشه‌های منازعه منجر نمی‌شود. برای این اساس، اگر در منطق قرآنی صلح ابزاری برای تحقق ارزش‌های الهی، عدالت و اصلاح اجتماعی است، در پیمان ابراهیم صلح بیشتر در خدمت تثبیت نظم

قدرت در ساختار ژئوپلیتیکی معاصر خاورمیانه قرار گرفته است. پس در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت که بررسی مفهومی نشان می‌دهد صلح در قرآن بر مبنای عدالت، رفع ظلم و پاس داشت کرامت انسانی تعریف می‌شود و تحقق آن مستلزم برقراری توازن عادلانه در روابط انسانی و اجتماعی است؛ در حالی که پیمان ابراهیم عمدتاً در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی و با هدف مدیریت منازعات و بازتنظیم موازنه قدرت منطقه‌ای تبیین می‌شود. جمع‌بندی تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که میان صلح قرآنی، به عنوان صلحی عدالت‌محور، و صلح سیاسی مبتنی بر منافع قدرت تفاوت‌های بنیادین وجود دارد؛ از همین رو، میزان انطباق پیمان ابراهیم با اصول صلح قرآنی با چالش‌های نظری و اخلاقی قابل توجهی روبه‌رو است. این یافته‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده درباره نسبت الگوهای دینی صلح با سازوکارهای سیاسی معاصر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). جامعه در قرآن. قم: اسراء.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. قم: دارالقلم.
۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). عدل الهی. تهران: صدرا.
۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
7. Bensahel, N. (2021). The geopolitical logic behind the Abraham Accords. Hoover Institution.
8. Mearsheimer, J. (2001). The tragedy of great power politics. W.W.Norton & Company.
9. Nasr, S.H. (2015). Islam and the plight of modern man. Routledge.
10. Pappé, I. (2021). Israel's settler colonialism and peace politics. Pluto Press.
11. RAND Corporation. (2021). The Abraham Accords and regional security subsystem. RAND Corporation.

12.Reuters. (2020). U.S. approves F-35 sale to UAE after Israel peace deal. Reuters. Retrieved from <https://www.reuters.com/>

